

قصهٔ کرم ابریشم

نویسنده و تصویرگر: نورالدین زرین کلک



پردازش و پی‌دی‌اف:
راوی حکایت باقی
www.parand.se



قصهٔ کرم ابریشم

نویسنده و تصویرگر: نورالدین زرین کلک



برای گروه‌های سنی «۳» و «۴»

برای کرم ابریشمی که تابستانها به خانه می‌آوردم و کنار
دفترچه‌های کهنهٔ منق و اسباب‌بازیها و بادبادک‌های گدازتم
و منتظر بزرگ شدنشان می‌شدم.

یک کرم ابریشم کوچولو بود که شبها همیشه طاقباز می‌خوابید.
شاید برای همین بود که همیشه خوابهای عجیب می‌دید.
صبحها، وقتی خوابهای خودش را برای کرم ابریشمی دیگر تعریف
می‌کرد، همه می‌گفتند: «این خوابها مال اینته که شبها طاقباز
می‌خوابی؟»
و یا می‌گفتند: «هیچ تا حالا شده که کرم ابریشمی طاقباز بخوابد؟»
اما، کرم ابریشم کوچولو باز هم همانطور طاقباز می‌خوابید؛
چون خواب دیدن را خیلی دوست داشت —
آن هم خوابهای به آن عجیبی.





یک شب که کرم ابریشم کوچولو باز هم طاقباز خوابیده بود،
خواب دید که بال درآورده است، مثل پرنده ها،
— درست مثل خود پرنده ها—
وتوی آسمان پرواز می کند
و هر جا که دلش می خواهد می رود.
کرم ابریشم کوچولو آنقدر از این خواب خوش آمد که وقتی
بیدار شد،
پیش از آنکه حتی چشمهایش را بمالد، شروع کرد خوابش را
یا صدای بلند تعریف کردن.
اما وقتی همه حرفهایش را زد و کسی نگفت «مال اینه که
شها طاقباز می خوابی» نازه فهمید که هیچ کس به حرفهایش
گوش نداده است.
اول خیلی تعجب کرد؛



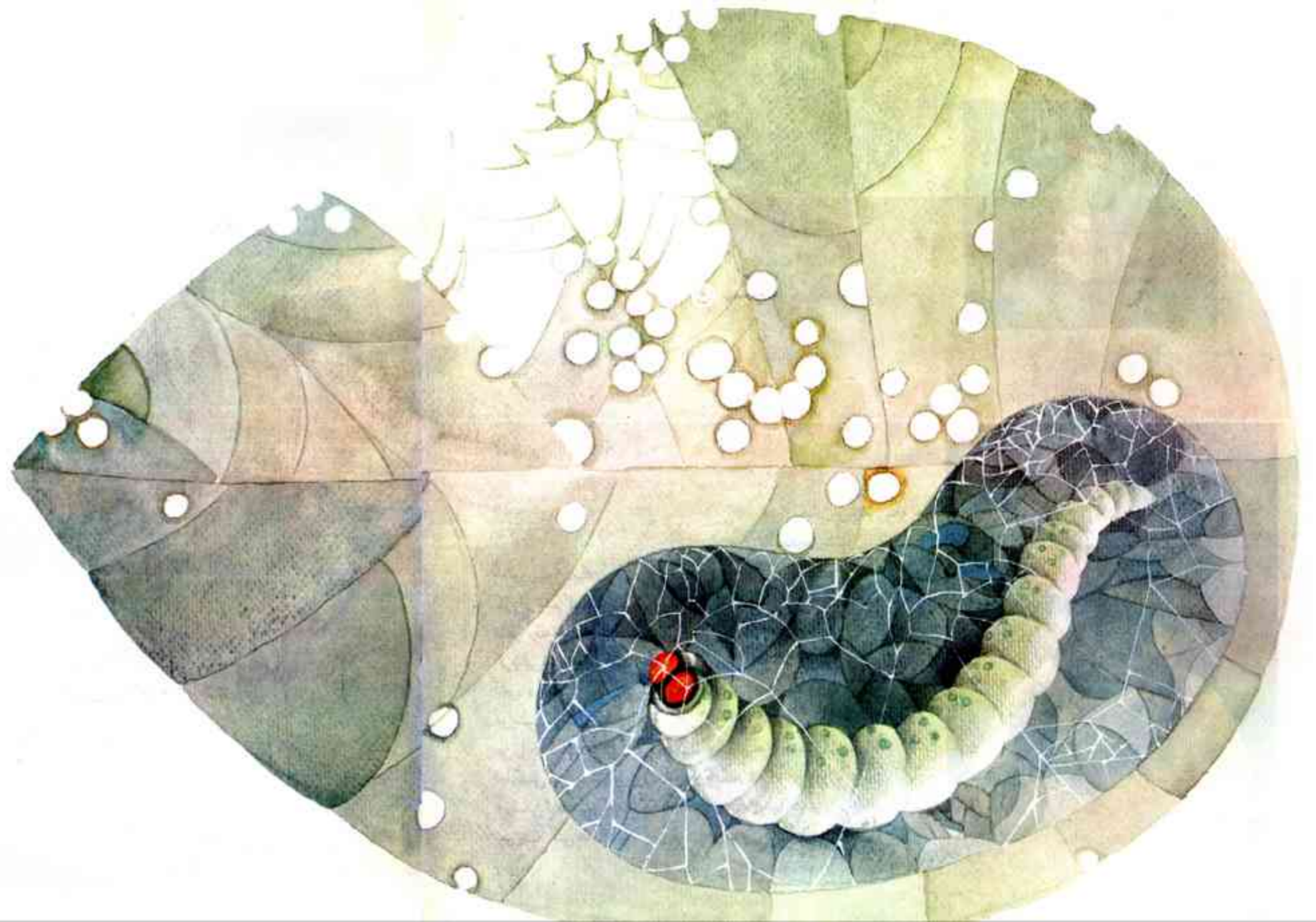
اما وقتی سرش را بلند کرد،
خیلی خیلی بیشتر تعجب کرد؛
چون دید که دوروبرش بجای هر کرم ابریشم، یک بقچه رنگی
افتاده است.

بقچه های سفید و لیمویی و صورتی
شکلی بادام کوهی، اما قشنگتر.
کرم ابریشم کوچولو فریاد زد: «آهای!»
و یک کرم ابریشم تنبل که هنوز سرش از بقچه بیرون بود جواب
داد: «آهای.»

کرم ابریشم کوچولو پرسید: «شما کجا هستید؟»
آن یکی جواب داد: «ما رفته ایم توی پيله.»
— توی چی؟



— توی پيله... پيله.
کرم ابریشم کوچولو پرسید:
«چرا رفته اید توی پيله؟»
کرم ابریشم تنبل گفت: «هر کس گاهی باید تنها باشد.
آخر، در تنهایی بهتر می شود فکر کرد... حالا خدا نگهدار کرم
ابریشم کوچولو.»
این را که گفت، سرش را کرد توی پيله و سر پيله را به هم کشید.
اما کمی بعد سرش را بیرون آورد و گفت:
«راستی! یادت باشد اگر باز هم از آن خوابها دیدی، برایمان
تعریف کنی ها!»



کرم ابریشم کوچولو حالا دید که خیلی تنها مانده است.
با خودش گفت: «عیب ندارد. من هم باید کمی فکر کنم و وقتی تنها
باشم بهتر می‌توانم فکر کنم.»
این بود که او هم همان کاری را کرد که کرم ابریشمهای دیگر کرده
بودند:
تنیدن پنبه.
تنیدن و تنیدن و تنیدن تا وقتی که پنبه ساخته شد.
وقتی این کار تمام شد، کرم ابریشم کوچولو، که حالا دیگر خیلی هم
کوچولو نبود،
آنقدر خسته بود که به پشت افتاد و به خواب سنگینی فرو رفت.



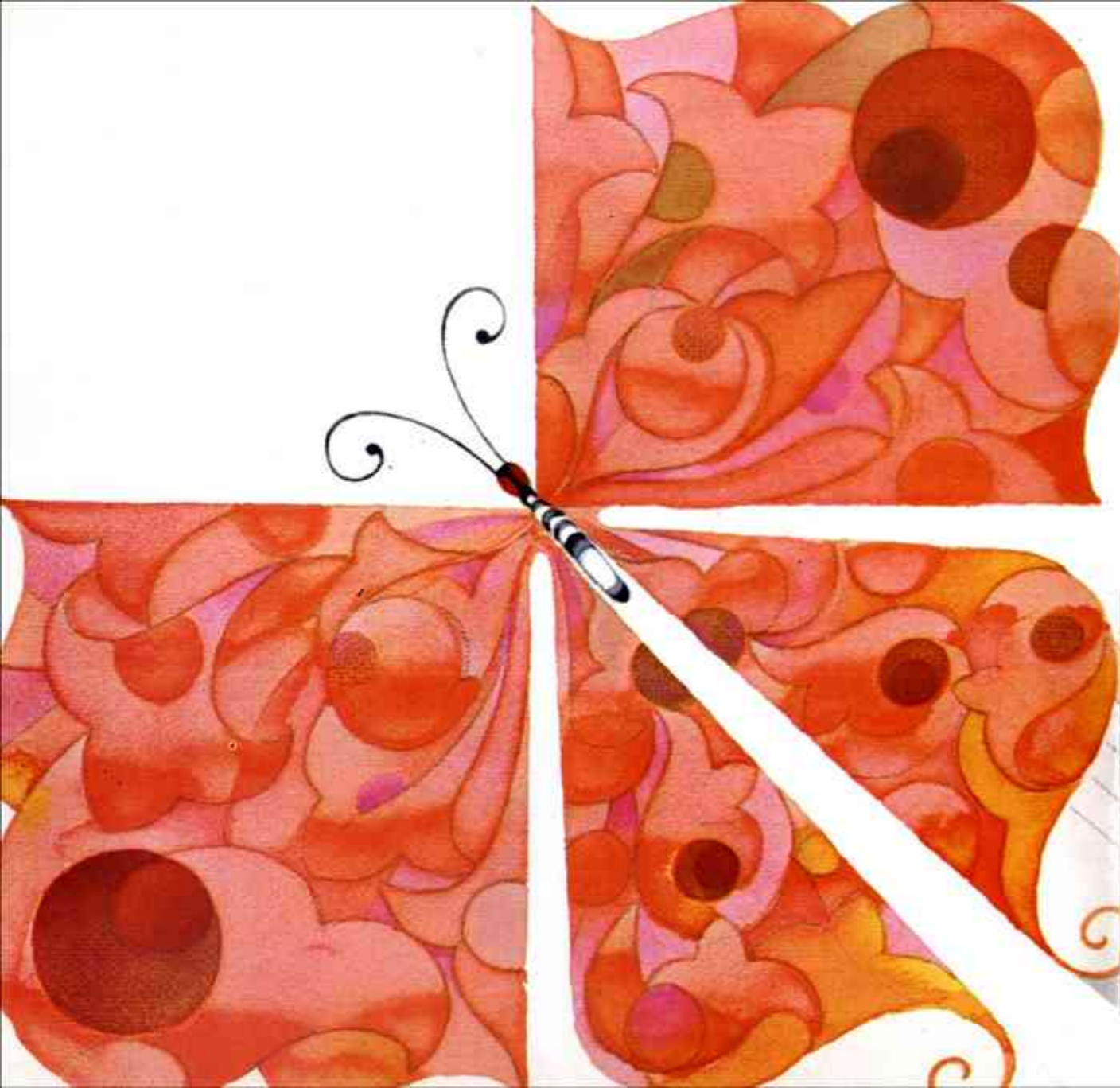
کرم ابریشم نفهمید چقدر خوابید؛ اما وقتی از آن خواب طولانی بیدار شد،
خستگی از تنش دررفته بود، و یک عالم هم خواب دیده بود:
خوابهای نقره‌ای،
خوابهای سفید و بنفش و خاکستری،
خواب آفتاب،
خواب یک درخت بزرگ توت، با برگهای طلایی،
خواب آسمان خیلی بزرگ لاجوردی...
کرم ابریشم کوچولو آنقدر به فکر آسمان لاجوردی بود که بواش بواش خیال
کرد توی یک قایق بالدار نشسته است و دارد در آسمان پرواز می‌کند.
قایق بالدار، آهسته آهسته به این طرف و آن طرف می‌رفت و کرم ابریشم
را، که دیگر خیلی هم کرم ابریشم نبود، به چپ و راست خم می‌کرد.



کرم ابریشم وفتی از روی کنجکاوی گوشهٔ پنجه را سوراخ کرد و سرش را بیرون
آورد، نزدیک بود فریاد بکشد، پيله ای که کرم ابریشم نوبی آن بود

روی دنباله یک بادبادک سفید در آسمان پرواز می کرد.
کرم ابریشم فکر کرد: پرواز کردن چقدر کیف دارد!
که ناگهان، پیله از دنباله بادبادک جدا شد،
و مثل یک گلوله کاموا
پل خورد و باز شد... پل خورد و باز شد... پل خورد و باز شد...
پیله و کرم ابریشم می چرخیدند و به طرف زمین کشیده می شدند.
کرم ابریشم چشمش را از ترس بست
تا وقتی آخرین حلقه ابریشم بقیچه باز می شود
زمین خوردن خودش را نبیند.





آخرین حلقه ابریشم هم باز شد، و کرم ابریشم، که دیگر کرم ابریشم نبود، رها شد توی هوا.

اما کرم ابریشم، که حالا نه خیلی کوچولو بود و نه کرم، اصلاً زمین نخورد. چرا؟

چون که درست همان وقت، بالهای کوچکش را باز کرد و شروع کرد به پرواز کردن —

درست مثل یک پروانه....

کرم ابریشم کوچولوی ما حالا راستی راستی یک پروانه شده بود،

یک پروانه ابریشم،

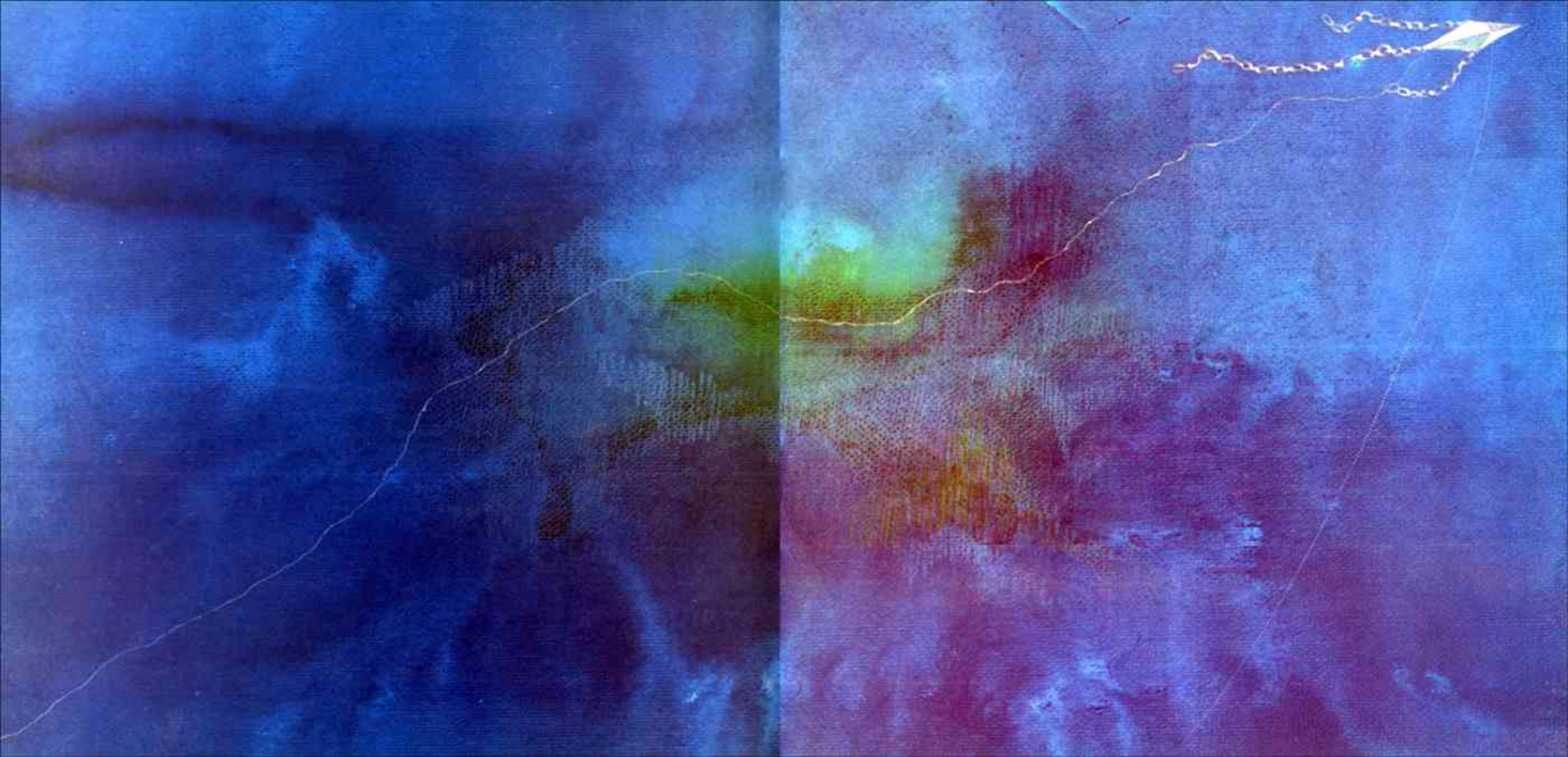
و این پروانه ابریشم کوچولو

به دور، به سوی درختهای سبز

نوت پر کشید....

بادبادک سفید، مثل قایق بالاداری در سبزه آسمان این طرف و آن طرف می رفت و نخ ابریشم نازکی که از پیله مانده بود، مثل جای ترکی بود که در کاسه لاجوردی آسمان افتاده باشد.





کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای مخاطبهای زیر کتاب منتشر می کند:

۱. گروههای سنی کودکان و نوجوانان:

گروه الف: سالهای قبل از دبستان.

گروه ب: سالهای آغاز دبستان (کلاسهای اول، دوم، سوم).

گروه ج: سالهای پایان دبستان (کلاسهای چهارم و پنجم).

گروه د: دوره راهنمایی.

گروه ه: سالهای دبیرستان.

۲. انبوهی تربیتی کودکان و نوجوانان.

شابک ۹۶۴-۴۳۲-۱۷۱-۵ ISBN 964-432-171-5



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

نصه کرم ایریتم

نویسنده و تصویرگر: نورالدین زرین کلک

چاپ اول، ۱۳۵۲

چاپ ششم، ۱۳۷۷ تعداد: ۲۰۰۰۰ نسخه

تعداد چاپهای قبل: ۸۰۰۰۰ نسخه

چاپ: کانون چاپ

(ج) کليه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان خالد اسلامبولی، شماره ۲۲.

تلفن: ۸۷۲۱۳۷۰ و ۸۷۱۵۵۲۵

مرکز پخش: تهران، خیابان ناطق، خیابان حجاب، جنب هتل آله

تلفن ۸۸۵۵۲۱۹ و ۸۸۵۵۲۰۲

شابک ۹۶۴.۴۳۲. ۱۷۱-۵

ISBN 964-432-171-5

پردازش و پی‌دی‌اف:

راوی حکایت باقی

www.parand.se



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

www.parand.se

۲۵۰ تومان